

پرونده

پرونده ای در چرایی نگاه جنسیتی در رسانه های ایران به عنوان همکاران همیشگی روابط عمومی ها
حاکمیت سیستمی اداری و نه حرفه ای در مطبوعات ایران
جایگاه زنان در رسانه ها سوغات جامعه به تحریریه ها ست

پژمان موسوی

Pejman.mousavi@gmail.com



فریدون صدیقی روزنامه نگار و مدرس ارتباطات این نوع نگاه را سوغات جامعه به تحریریه ها می داند و می افزاید: «این موضوع ناشی از نگاه عمومی جامعه به نقش زن است و مختص امروز هم نیست و در پیش از انقلاب هم وضعیتی مشابه حاکم بوده است و منجر به این شده که هیچ گاه زنان روزنامه نگار جایگاه مناسب خود را نیابند.» صدیقی البته مسائل خاص زنان را هم در به وجود آمدن این شرایط دخیل می داند: «برخی از روزنامه نگاران زن به محض اینکه به موفقیت های شغلی میرسند ازدواج کرده و احیانا بچه دار می شوند و همین عوامل خود به خود آنان را از شرایط کار حرفه ای دور کرده و آنان را به محیط های دیگری سوق می دهد.» وی می افزاید: «عامل دیگر این است که روزنامه نگاران زن را اغلب دختران تشکیل می دهند و اینان کسانی هستند که بیشتر وقت خود را در بیرون از تحریریه می گذرانند و آستانه توقع کمتری هم دارند.»

این روزنامه نگار پیشکسوت نگاهی هم به بیرون از محیط تحریریه ها می اندازد آنجا که می گوید: «شما نگاهی به وزارتخانه ها بیندازید، نسبت نمایندگان زن به مرد را مقایسه کنید و ... آنگاه به این نتیجه می رسید که تحریریه ها هم نمونه ای هستند از جامعه ایرانی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد.»

صدیقی درباره چرایی انتخاب مردان به دبیری سرویس، شورای سردبیری، سردبیر و سایر رده های بالای مدیریتی در روزنامه ها نیز می گوید: «سازمان بیشتر روزنامه ها به صورتی است که سردبیران و دبیران سرویس از پیش تعیین می شوند و اصولا دیگر جایی برای زنان نمی داند و مدیران مسئول به جای اینکه ظرفیت های ژورنالیستی را مبنای عمل خود قرار دهند، ظرفیت های سیاسی را حائز اهمیت می دانند و بر پایه آن هم عمل می کنند.»

صدیقی اما شرایط سایر رسانه ها مثل مجلات را متفاوت از روزنامه ها می داند و می افزاید: «در بسیاری از مجلات تخصصی و ماهنامه ها زنان نقش های به مراتب مهم تری نسبت به روزنامه ها دارند و حتی بر جایگاه های حساسی چون سردبیری هم تکیه زده اند اما متأسفانه اصل این است که زنان تابعی از شرایط بیرونی هستند و به باور من مشکل اصلی هم همینجاست.» فریدون صدیقی همچنین با تحسین پشتکار و استقامت زنان و دختران روزنامه نگار می گوید: «دختران و زنان درک بالایی از ژورنالیستی، نثری خوب و دیدی حرفه ای دارند که متأسفانه در پرتو مناسباتی که به آن اشاره کردم، مجبورند یا این حرفه را ترک گویند و یا به رده های پایین آن رضایت دهند.»

مهران کرمی، سردبیر جانشین محمد قوچانی (زمانی که او در زندان به سر می برد) در روزنامه اعتماد ملی، ارگان رسمی حطب اعتماد ملی درباره تبعیض

پرسش اساسی در این پرونده این است که چرا اساسا زنان روزنامه نگار حرفه ای در ایران و حتی در دوران اصلاحات که برای نخستین بار صفحات « زنان » در حمایت از حقوق زنان ایران راه اندازی شد، کمتر به پست های سردبیری و مدیرمسئولی رسیده اند؟

طبق آمار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تا پایان شهریورماه ۱۳۸۸، از ۸۰۴۴ روزنامه نگار در سراسر ایران، ۳۴۵۵ نفر زن و ۴۵۸۹ نفر مرد هستند که از ۳۴۵۵ روزنامه نگار زن، ۱۶۴۵ نفر از آنها در استان تهران و ۱۸۱۰ نفر دیگر در سایر استان ها مشغول به فعالیتند اما از میان این زنان چه تعداد در پست های دبیر سرویس، دبیر تحریریه، سردبیری و مدیرمسئولی قرار دارند؟ هم اکنون روزنامه تهران امروز با ۴ گروه، هیچ دبیر زنی ندارد و تنها مسئولیت دو صفحه از این روزنامه به عهده زنان است. روزنامه بهار با ۶ گروه، دو دبیر زن دارد. روزنامه پول با ۸ گروه، ۳ دبیر زن دارد.

روزنامه اعتماد ملی که از چند ماه پیش توقیف شد از میان ۸ گروه تنها یک دبیر سرویس زن داشت و در واقع به نظر می رسد روزنامه اعتماد با ۶ گروه و ۴ دبیر سرویس زن، بیشترین آمار همکاری با زنان دبیر سرویس را داراست. این موضوع از آن جهت برای روابط عمومی ها می تواند قابل تامل باشد که از یک طرف وضعیتی مشابه در روابط عمومی ها هم از همین حیث حکمفرماست و از طرف دیگر روابط عمومی ها به عنوان همکاران و کسانی که شاید بیشترین تعامل را با اصحاب رسانه دارند، ضرورت دارد که بیش از گذشته با وضعیت مطبوعات ایران از این حیث از نزدیک آشنا باشند...

دکتر حسینعلی افخمی مدیر گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی با قاطعیت روی این موضوع صحنه می گذارد که تحریریه های نشریات ایران، نمادی از جامعه بزرگ ما هستند: «متأسفانه از آنجا که بسیاری از مدیران مسئول و سردبیران ما بیشتر جنسی سیاسی دارند تا روزنامه نگاری، این مسئله در روزنامه های ما جنبه پررنگ تری به خود گرفته است و مشاهده می شود که در تحریریه ها به جای اینکه محیطی حرفه ای حاکم باشد، سیستمی اداری حاکم است.» افخمی همچنین سیاست در ایران را امری مردانه می داند و بر این باور است که بر طبق همین الگو، «در سیاست ایرانی جایی برای زنان نیست و از همین روست که در تحریریه ها نیز در تصمیم گیری های کلان، زنان کمتر دخالت داده می شوند.»

روابط عمومی
۴۲

ماهنامه علمی / تخصصی
انجمن روابط عمومی ایران
شماره ۷۱ / اردیبهشت ۸۹

هسته

پیرونده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تالار معارف و اندیشه

با نگاه مشخص جنسیتی، سردبیر را انتخاب کند. مثلا به یاد دارم که خانم بدرالسادات مفیدی، سخنگوی انجمن صنفی روزنامه نگاران، پیش از این معاون سردبیر روزنامه کارگزاران بودند».

اما داوود محمدی، سردبیر سابق روزنامه سرمایه و سردبیر فعلی روزنامه بهار، به وجود «نگاهی خاص به زنان در عرصه کار» اعتقاد دارد. او می گوید: «به اعتقاد من این موضوع دو جنبه دارد. اول اینکه به طور کلی در ایران، زنان به دلایل تاریخی و فرهنگی و ... بسیار به ندرت به موقعیت های بالای شغلی و حرفه ای در سطح کلان کشوری دستیابی دارند. یعنی یک نگاه کلی و اجتماعی در مورد توانایی زنان شاغل وجود دارد که مانع از رشد آنان در سطوح عالی می شود. دوم اینکه در روزنامه ها ارتقا مدیریت زنان، مقداری دشوار است به دلایلی که خاص زنان است. مثلا سردبیرها همیشه دست کم تا ساعت ۱۰ و ۱۱ شب باید در دفتر روزنامه ها باشند و زنان متاهل کمتر این امکان را دارند. خانه داری، بارداری و دیگر مسائل خاص زنان مانع از این قابلیت می شود. بجز این باید به درگیری های درون سرویسی خانم ها هم اشاره کنم. معمولا زنانی که دبیر سرویس

جنسیتی در تحریریه روزنامه هایی که خود سردمدار حقوق برابر زن و مرد هستند، در این باره می گوید: «به اعتقاد من برای بررسی اینکه در تحریریه های روزنامه ها و دیگر رسانه های کاغذی ایران، تبعیض جنسیتی آگاهانه ای وجود دارد یا نه؟ باید مورد به مورد، نشریات را مورد بررسی قرار داد و دید که آیا اساسا در مسئولان آن روزنامه دارای ذهنیت جنسیتی هستند یا خیر؟ برای من هیچ وقت این تبعیض جنسیتی در حرفه ای روزنامه نگاری وجود نداشته است چه در رده دبیر تحریریه یا معاونت سردبیری. هر گاه این قابلیت را در فردی می دیدم که توانایی مدیریت لازم را دارد از او در سمت های معاونت سردبیری یا دبیر تحریریه استفاده می کردیم. برایمان هرگز مهم نبود که این شخص زن است یا مرد».

او نقش مدیرمسئول ها را تعیین سردبیرهای مرد، بی اثر نمی داند و می گوید: «ممکن است که مدیرمسئول ها چون خودشان مرد هستند و اغلب دارای موقعیت های سیاسی هستند، با مردها به عنوان سردبیر راحت تر باشند اما من شخصا در این ۱۲ سالی که به طور حرفه ای مشغول به کار هستم ندیدم که مدیرمسئولی،

روابط عمومی

ماهنامه علمی / تخصصی
انجمن روابط عمومی ایران
شماره ۷۱ / اردیبهشت ۸۹

پرونده

تحریریه‌های ما هم نمونه کوچکی از جامعه ایران است و همانطور که در جامعه تفاوت‌های جنسیتی و واگذاری مشاغل پایین تر «البته به جز موارد استثنا» به زنان وجود دارد، همین مسئله در تحریریه‌های نشریات هم تکرار شده است. از سوی دیگر با اینکه از انتشار نخستین نشریه در ایران، ۱۷۳ سال و اولین نشریه خاص مسائل زنان ایران ۱۰۲ سال می‌گذرد، و با اینکه امروزه چهره‌های برجسته متعددی از میان زنان در رسانه‌های داخلی و خارجی به عنوان روزنامه‌نگاران فعال و صاحب نظر حضور دارند، کمتر جایگاهی متناسب با شهرت و تخصص در نشریات دارند و اغلب، این مردان هستند که با شهرت‌های کمتر، سمت‌های بالاتری کسب کرده‌اند.

هم اکنون روزنامه بهار، دو دبیر سرویس زن؛ روزنامه تهران امروز، هیچ؛ روزنامه اعتماد محمد علی وکیلی مدیر مسئول روزنامه ابتکار در دفاع از تصمیمات اتخاذ شده از سوی مدیرانی چون خود می‌گوید: «بحث تحریریه جنسیتی به نظر من اساساً موضوعیت ندارد و تصمیمات بر اساس آمادگی افراد و توان حرفه‌ای خبرنگاران اتخاذ می‌شود؛ البته به نظر من در بعضی حوزه‌ها مثل ادب و هنر و اجتماعی خانم‌ها در مقایسه با آقایان از توان حرفه‌ای بالاتری برخوردارند و در بعضی حوزه‌ها مثل سیاست و اندیشه و حوادث آقایان از خانم‌ها صلاحیت بیشتری دارند که این هم به طبع کار بر می‌گردد نه تصمیم مدیران مسئول». وکیلی سیاست در ایران را امری مردانه می‌داند و می‌افزاید: «به همین دلیل قدرت ارتباط و امکان ارتباط برای مردان روزنامه‌نگار به مراتب بیشتر از زنان است زیرا حوزه‌های مرتبط با سیاست عموماً حوزه‌های پرچالشی هستند و مردان طبیعتاً بهتر از عهده آن بر می‌آیند». وکیلی این را هم می‌افزاید که: «بار اصلی تحریریه را شاید خانم‌ها بیشتر به دوش بکشند و به نوعی حتی کارهای سردبیری را هم خانم‌ها انجام دهند اما ما تنها به جهت پرستیژ مدیریتی است که از آقایان در این سمت‌ها استفاده می‌کنیم و این موضوع ربط چندانی هم شاید به توانمندی محتوایی نداشته باشد». مدیر مسئول ابتکار به این موضوع اذعان دارد که در حوزه تحریریه جمع‌پذیری و انعطاف‌پذیری خانم‌ها در رفتار جمعی بالاتر از آقایان است اما این را هم می‌افزاید که «تجربه من این است که بعضی حوزه‌های کاری به لحاظ جنس فعالیت مورد استقبال خانم‌ها قرار نمی‌گیرد چه رسد که آنها بخواهند در آن حوزه‌ها مدیریت هم بکنند». اما به باور مریم نیکوکار، مدیر مسوول هفته‌نامه «گیل بانو» این بحث‌ها در هر تحریریه‌ای که حساسیت‌های جنسیتی در آن حاکم باشد طبیعی است، چرا که تاریخ پدرسالاری به ذهن‌ها اجازه نداده که به جز نفع مردان، به چیز دیگری فکر کنند. او در ادامه سخنانش این موضوع را به زبان دیگری مطرح می‌کند: «ما اعتماد به نفس لازم را نداریم. در هر جلسه و نشست محکم سوالمان را نمی‌پرسیم و سوال‌هایمان بسیار محتاطانه است،

هستند نسبت به مردانی که این پست را دارند، دارای درگیری‌های بیشتری هستند. شاید همین امر یک یاز دلایلی است که بر توانایی زنان در مدیریت سطوح بالاتر، شائبه‌هایی ایجاد می‌کند».

داوود محمدی در عین حال از قابلیت بالای زنان در کار روزنامه‌نگاری یاد می‌کند و می‌گوید: «زنان بسیار دقیق، موشکاف و منظم هستند و شاید به همین دلیل بیشتر سعی می‌شود از زنان روزنامه‌نگار در سطوح خبری و گزارش نویسی استفاده شود. در نهایت باید اضافه کنم که زنان باید در پروسه ارتقا سطح کاری خود، صبورتر باشند و دوره‌های خبرنگاری، دبیر سرویسی،

دبیر تحریریه و سردبیری را در طول زمان بیشتری طی کنند. در این میان به هر حال زنان روزنامه‌نگار حرفه

ای با قابلیت مدیریت بالا هم هستند که متأسفانه به دلیل دید کلی که نسبت به آنان در برخی روزنامه‌ها و به طور کلی در جامعه وجود دارد، از توانایی آنان آنطور که باید استفاده نمی‌شود».

بهروز بهزازی، سردبیر باسابقه روزنامه اعتماد نیز از دیگر روزنامه‌نگارانی است که معتقد است بخصوص در سال‌های اخیر و بعد از دوران اصلاحات، بر تعداد زنان روزنامه‌نگار موفق و حرفه‌ای افزوده شده است و دید کلی نسبت به زنان روزنامه‌نگار بهبود پیدا کرده است. او می‌گوید: «من به عنوان روزنامه‌نگاری که سابقه بیش از ۴۰ سال کار دارم، می‌گویم

که هرگز به جنسیت روزنامه‌نگار توجه نداشته‌ام و قابلیت آنها برایم مهم بوده است. هم اکنون هم خوشبختانه اوضاع ما چندان بد نیست و از میان ۶ گروه اصلی، ۴ دبیر سرویس زن در حوزه‌های اجتماعی، بین‌الملل، سیاسی و علم داریم. به اعتقاد من زنان در سال‌های اخیر در زمینه روزنامه‌نگاری رشد چشمگیری داشته‌اند و توانایی‌های خود در سطوح مدیریت و گزارش نویسی و خبرنگاری را به خوبی به اثبات رسانده‌اند».

به این ترتیب به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسائلی که روزنامه‌نگاران امروز ایران به آن روبرو هستند، نوع نگاه مدیران مطبوعات و آنانی است که چارچوب‌های کار را برای روزنامه‌نگاران تعیین می‌کنند: نگاه‌هایی که بین روزنامه‌نگاران و خبرنگاران زن و مرد تفاوت می‌گذارد و تحریریه‌ها را به محیط‌هایی با کلیشه‌های از پیش تعیین شده جنسیتی تبدیل می‌سازد. در واقع اینچنین می‌توان این موضوع را طرح مسئله کرد: «واگذاری سطوح پایین تر تحریریه‌ها به زنان و واگذاری سطوح کلان تر و بالاتر آن به مردان». شاید چنانچه دیدیم از نظر عده‌ای از صاحب‌نظران و مدیران نشریات، این موضوع از اساس محلی از اعراب نداشته باشد اما این موضوع مسئله ایست که نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت یا آن را نادیده گرفت زیرا این تفاوت دید، امری واقعی به نظر می‌رسد که با تایید و انکار نمی‌توان از اهمیت آن کاست.

اگر با نگاهی کلان تر هم به این قضیه نگاه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که

هفت‌پد

خانم‌ها هستند که با شرایط سخت‌تر و حقوق کمتر حاضر به کار کردن می‌شوند و مناصب دست‌پایین‌تر را نیز قبول می‌کنند. قاضی زاده در ادامه اما مژده می‌دهد که «این اخلاق در حال عوض شدن است». او ادامه می‌دهد: «به هر حال جامعه ما یک جامعه مذهبی است و عناصر عقیدتی در آن سلطه دارد و در یک چنین جامعه‌ای طبیعی است مردان در رده‌های بالاتر قرار بگیرند». قاضی زاده روزنامه‌نگاری را در عصر کنونی چندان بی‌شبهت به جنگ چریکی نمی‌داند و می‌افزاید: «خیلی‌ها تاب این حرفه را نمی‌آورند و من حق می‌دهم به بسیاری از زنان یا حتی مردانی که به سبب درآمد کم و سختی کار این حرفه را ترک گفته و به سمت مشاغلی مثل روابط عمومی‌ها بروند».

او خوشحالی خود از تعدد روزنامه‌نگاران زن را اینچنین بیان می‌کند: «در زمانی که من وارد این حرفه شدم تنها یکی دو خانم در تحریریه ما وجود داشت اما امروز ما به وفور شاهد زنان روزنامه‌نگار در تحریریه‌ها هستیم و این موضوع روی خیلی از چیزها مثل ظاهر مردها و ادبیاتشان در روزنامه‌ها تاثیر گذاشته است».

قاضی زاده در ادامه این موضوع تاکید می‌کند: «فرهنگ ما در حال تغییر است و در آینده‌ای نه چندان دور تمامی مناسبات ساختاری در جامعه و تحریریه‌های ما عوض خواهد شد».

آنچه همه استادان و کارشناسان عرصه ارتباطات و رسانه بر آن اتفاق نظر دارند ضرورت فراگیری اصول حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به عنوان پیش‌شرط کار خبرنگاری و روزنامه‌نگاری است تا اصول حرفه‌ای در تحریریه‌های مطبوعات و رسانه‌ها رعایت شود و جاری باشد.

برای همین مردان سیاسی و اقتصادی ما را دست‌کم می‌گیرند که البته این مشکل ذاتی نیست و با آموزش حل‌شدنی است».

بهروز بهزادی سردبیر روزنامه اعتماد که از روزنامه‌نگاران پیشکسوت ایران هم هست اما درباره این مسائل دیدگاه دیگری دارد: «من اصلاً دیدگاه جنسیتی را قبول ندارم و از معدود سردبیرانی هستم که در طول ۱۷ سال سردبیری ام پس از انقلاب، اجازه نداده‌ام تا در روزنامه‌ام صفحه‌زنان ایجاد شود زیرا این کار را نوعی قبول ضعف در بین زنان می‌دانم». بهزادی علت اصلی وجود یک چنین بحث‌هایی را در جامعه می‌داند و می‌افزاید: «جامعه ما مشکل دارد

و هنوز مردانه است اما من بر این باورم که این موضوع به تدریج و با بالا رفتن سطح سواد و دانش، موضوعیت خود

را از دست خواهد داد». او حرفه‌ای نبودن بسیاری از مدیران مسئول و سردبیران را از جنبه‌های ژورنالیستی، حاصل قانون مطبوعات می‌داند و می‌افزاید: «قانون مطبوعات ما این شرایط را فراهم آورده و منجر به این شده است که اکثر آدم‌های سیاسی ما بیایند و صاحب روزنامه‌ای شوند؛ در واقع بر طبق این قانون تنها آنانی که به نوعی سیاسی بوده و قابل اعتماد هم باشند می‌توانند روزنامه‌ای را در اختیار داشته باشند و همین فرآیند منجر به این شده است که خانم‌ها کمتر در مناصب بالاتر به کار گرفته شوند زیرا سیاست در ایران مردانه است و مردان سیاسی مدیر مسئول هم نگاه خود را درگیر با مسائل حرفه‌ای روزنامه‌نگاری کرده‌اند».

عدم وابستگی، از الزامات اولیه روزنامه‌نگاری است و امری اساسی برای «قابل اطمینان بودن» به شمار می‌رود. استقلال روح و ذهن به جای خنثی بودن، اصلی است که روزنامه‌نگاران باید به آن توجه داشته باشند. اگر چه سردبیران و مفسران کاملاً بی‌طرف نیستند، اما هنوز منبع اعتبارشان درستی، بی‌طرفی عاقلانه و توانایی به‌دست آوردن اطلاعات است و نه وابستگی به گروه خاصی. این بسیار مهم است که ما در حفظ استقلالمان باید از منحرف شدن به خود پسنندی، نخبه‌سالاری، انزواگرایی و یا پوچ‌گرایی بپرهیزیم.

علی اکبر قاضی زاده مدرس دانشگاه و روزنامه‌نگار پیشکسوت اما در انتقادی صریح از مردسالاری حاکم در ایران می‌گوید: «مردسالاری اخلاقی ایرانی و جهانی است اما ایرانی‌ها در مردسالاری صاحب‌سبک هستند همین عامل یکی از دلایل این موضوع است؛ البته این موضوع خاص تحریریه‌ها نیست و در تمامی سطح جامعه نیز موضوع اشغال مناصب مهم از ساو مردان وجود دارد». او قانع بودن زنان را نیز به دلایل تاریخی علت دیگر این موضوع می‌داند: «خانم‌ها به دلایلی قانع‌تر هستند زیرا خانم‌ها هنوز به خودگردانی نرسیده‌اند و برخلاف پسرها که وقتی کاری را شروع می‌کنند یک زندگی را به اتکای آن می‌بایست بچرخانند، این قید را برای خود احساس نمی‌کنند و اینچنین می‌شود که این

